

پای درس تحول خواهی مکتب امام روح‌الله

استکبارستیزی کلید تحول خواهی

می‌شد از مجازات مصون می‌گشت و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدراعظم، کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی‌چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت، خصوصا آمریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگ‌تر و شاخدارتر ساخته‌اند؛ و گمان می‌کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشم‌ت ابروست، کشور از بین می‌رود! و با خیال‌های خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن‌زدن وابستگان غرب‌زده به این نحو شایعه‌ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مایوس کردند و جرم این خودباختگان ملی‌نما کمتر از مجرم اصلی نیست.»

۹. طرفداران وابستگی کشور به آمریکا صلاحیت برای هیچ اموری ندارند

متأسفانه این قشر از روشنفکران و جریان سیاسی نهضت آزادی و چهره‌های موثر آن تا سال‌ها بعد نیز علی‌رغم دیدن پیروزی‌های مختلف ملت ایران در عرصه‌های گوناگون همچنان بر وابستگی و غرب‌زدگی اصرار داشتند و آن را ابراز کرده و ترویج می‌کردند و اساسا همین نگاه وابسته‌گرای آنها بود که درنهایت حضرت امام(ره) در نامه به آقای محتشمی‌پور وزیر وقت کشور، درباره آنها گفتند: «در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی مسائل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالا گفت آن است که پرونده این نهضت و همین‌طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکاست و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است و حمل به صحت اگر داشته باشد، آن است که شاید آمریکای جهانخوار را، که هرچه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملت‌های تحت‌سلطه‌او دارند از ستمکاری اوست، بهتر از شوروی ملحد می‌داند. و این از اشتباهات آنها است...

نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها، به اعتبار آنکه مظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تاول‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروه‌های دیگر، حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است.»

۹. برخاستن راست از دنده چپ

البته این پایان راه جریان نهضت آزادی نبود و آنها توانستند سال‌ها بعد با نزدیک شدن به جریان چپ که در دهه ۶۰ از مخالفان سرسخت نهضت آزادی بودند، کم‌کم بر اندیشه و رفتار سیاسی آنها تأثیر بگذارند. اوج همگرایی نهضت آزادی و جریان چپ یا همان اصلاحات را می‌توان در بعد از دوم خرداد ۷۶ دید، برهه‌ای از تاریخ کشور که مجدد صدای غرب‌زدگی و غرب‌گرایی بیشتر از سال‌های قبل در فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای کشور و از دانشگاه‌ها و حتی ارکان حکومتی شنیده می‌شد.

بدین ترتیب جریان نهضت آزادی که می‌رفت آرام‌آرام به تاریخ ببیندد، مجدد در فضای سیاسی کشور با پیوند با اصلاحات زنده شد و این بار صدای اندیشه وابستگی به آمریکا و پذیرش سلطه او و رد نفی استقلال کشور از مجلس شورای اسلامی شنیده و حتی ادبیاتش در نامه‌رئیس‌جمهور کشور به آمریکایی‌ها (نامه سال ۲۰۰۳ خاتمی به دولت آمریکا) دیده شد. هرچند با افول قدرت سیاسی اصلاحات و برآمدن دولت‌های نهم و دهم این نگاه از عرصه عمومی قدرت برکنار ماند اما هیچ‌گاه در میان چهره‌های شاخص و روشنفکران وابسته به این جریان نفی و طردنشد. با روی کارآمدن دولت‌های یازدهم و دوازدهم که در ائتلاف با اصلاح‌طلبان به کرسی قدرت رسیدند این روند و نگاه وابسته‌گرا به غرب و آمریکا بیش از پیش خودنمایی کرد.

۹. وقتی همه‌چیز به زلف امضای کری گره خورد

دولت یازدهم آمده بود با کدخدای جهان معامله کند و در همان گام اول، قدرت و سلطه او را پذیرفته بود، می‌خواست تا ۱۰۰ روز اول نشست‌ه بر کرسی پاستور به پایان نرسیده با غرب و به‌طور ویژه آمریکا توافق کند. آنقدر شتاب داشت که حتی به گفته منتقدانش یک‌بار هم متن برجام را کامل نخواند، هرچند این سخن، حرف عجیبی است اما نشانه‌هایی از واقعیت در آن هست. این دولت آنقدر برای توافق ذوق داشت که با کمک رسانه‌ها و چهره‌ها و سلبریتی‌ها و دیگر ابزارهایش عبارت «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» را در افکار عمومی جامعه به‌طور گسترده پمپاژ کرد و تا آن حد عجله داشت که برای نهایی کردن اجرای توافق امضای وزیر خارجه آمریکا را تضمین اجرای برجام خواند.

و بالاخره با فرارسیدن آفتاب تابان برجام، دولت متحد اصلاح‌طلبان، دست افشان و پاکوبان فرش قرمز انداخت برای هیات‌های کشورهای مختلف اروپایی که فقط ترافیک عبور و مرور ایجاد کردند، عکس یادگاری گرفتند و گرهی از کار فروسته نگشودند؛ چرا که برای این کار عزمی نداشتند.

۹. مقصران اصلی؛ نظر پیردازان وابستگی

البته برای این دولت و مجلس اصلاح‌طلب دهم شورای اسلامی همین عکس‌ها و سلفی گرفتن‌ها مهم بود. زمانه افتخار کردن به عکس گرفتن با غربی‌ها بود، هرچند این عکس‌ها در زیرپای مجسمه سردار فاتح ایران باشد. البته اشکال و تقصیر اصلی با روشنفکرهایی است که در حلقه‌های فکری کیان و مکتب

نیاوران و در مراکز فکری حساس مملکت با ظاهر حرف‌های علمی، وابستگی را تئوریزه کردند و در صحن دانشگاه فریاد زدند و این حکایت‌ا مثال سریع‌القلم‌ها و زیباکلام‌هاست که به قلم چرخاندی بر صفحه کاغذ غرب را کعبه آمال نشان داده و می‌دهند و با عبارات فریبنده و سفسطه‌گون و در ظاهر زیبایشان استقلال را امری نخن‌نما شده می‌خوانند. حضرت امام (ره) در توصیف خودکم‌بینی‌های جماعت روشنفکر وابسته گفته‌اند: «این برای این است که فکر این روشنفکر- همه را نمی‌گویم، بسیاری شان- فکر این‌ا این، دیگر فکر یک انسان شرقی نیست؛ فکر یک انسان اروپایی است، مغزش این است، قلمش، این اروپایی است، این نمی‌تواند- یک کسی که فکرش اروپایی است- ـ فکر بکند که ما خودمان هم یک چیزی هستیم؛ ما خودمان آدم هستیم. اصلا خود آدمیت خودمان را اینها منکرند! می‌گویند، ما چیزی نیستیم.»

و با این نگاه است که وزیر راه دولت یازدهم که خود را از نظریه‌پردازان در عرصه اندیشه و طرفدار اقتصاد آزاد می‌داند، قرارداد رستوران قطارهای مسافربری کشور را با یک شرکت اتریشی می‌بندد؛ چرا که احتمالا فکر می‌کند شرکت ایرانی نمی‌تواند برای ذائقه ایرانی غذا تهیه کند!

۹. عاقبت فراموشی دوستان روز سختی و امیدواری به حل‌وای نسیه دشمنان

در همین روزهای ذوق‌زدگی حضور هیات‌های اروپایی بود که دولت یازدهم برخلاف مدعی بودن در عرصه حفظ منافع ملی و اقدام براساس آن، در اقدامی غیرعقلانی و ضدمنافع ملی دست رد به سینه کشورهای خارجی همراه ایران در دوره سختی‌ها زد و عملا چین و روسیه و کشورهای همراه ایران در دوره تحریم‌ها را به کنار گذاشت تا عکس‌های دوفره‌به‌تری با غرب بگیرد.

بعد از گذشت مدتی به اعتراف وزیر خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم و دیگر مسئولان دولتی، در دوره دولت اوبامای دموکرات، هم آمریکا و هم اروپا به تعهدات خود در برجام به‌طور ناقص و اندک عمل کردند تا جایی که رئیس‌بانک مرکزی عبارت «تقریبا هیچ» را در توصیف عایدی ایران از برجام به کار برد.

دولت ترامپ که بر سرکار آمد، دیگر همان تقریبا هم از بین رفت و عایدی ایران از برجام شد، هیچ. و با خروج آمریکا از برجام طرف اروپایی هم تنها وعده و وعید داد. با این حال همچنان جریان اصلاحات و دولت دوازدهم به اشتباه‌شان در نگاه به غرب و غرب‌گرایی اعتراف نکردند و با کمک رسانه‌های زنجیره‌ای خود این فکر را ترویج کردند که ترامپ یک استنفاست در تاریخ آمریکا و مشکل از ترامپ است نه آمریکا.

این ایده و راهبرد در طول چهار سال ریاست‌جمهوری ترامپ به بهانه‌ها و اتحای مختلف و در مقاطع زمانی گوناگون، تقویت و بازتولید و تکرار شد تا به باور عمومی تبدیل شود و حالا از چند ماه قبل تا همین روزهای رسیدن موعد انتخابات آمریکا تمام هم و غم جریان غرب‌گرا و طرفدار وابستگی کشور تبلیغ رویای پیروزی بایدن و تصور ایجاد گشایش در مشکلات با حضور او در کاخ سفید بوده است تا امیدها را از خودمان و توان‌مان به سربای در آمریکا گره بزنیم.

۹. تحول فرهنگی لازم است

اکنون بیش از گذشته باید به سراغ سخنان حکیمانه بنیانگذار انقلاب اسلامی برویم. ایشان به روشنی راه سخت‌راهی را از این نگاه وابسته‌گرا و غرب‌گرا را گوشزد کرده و گفته‌اند: «الان هم در هرجا که بروید، هر مجلسی از این روشنفکران ما درست می‌کنند، باز حرف‌ها همان حرف‌های غرب‌زدگی است؛ همان حرف‌هاست. همان حرف‌هایی که در زمان طاغوت وقتی جمع می‌شدند دور هم می‌گفتند، حالا هم باز همان حرف‌ها را می‌زنند. از وابستگی و غرب‌زدگی ما بیرون نیامدیم و به این زودی بیرون نمی‌آییم. آن گوینده‌شان- که خدا رحمتش کند- حالا فوت شده است گفته بود که ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد! یکی از معاریف اینها [می‌گوید] که ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد. این‌طور محتوا را از دست داده بود و میان تهی شده بود. صورت، صورت یک آدم، مثل سایر مردم؛ ولی محتوا محتوای وابسته. به این زودی‌ها ما نمی‌توانیم این قشرهای روشنفکر... را از آن محتوایی که در [مغز]شان پنجاه سال، سی سال، بیست سال تزریق شده است و تهی کردند خودشان را از خودشان، خودشان از خودشان غافل شدند، به این زودی، نمی‌شود اصلاح‌شان کرد. یک فرهنگ تازه می‌خواهد؛ یک فرهنگ متحول می‌خواهد.»

علاج این نگاه خودحقیرپندار و غرب‌گرا، بیداری و هوشیاری ملت است. اگر مردم آگاه و متحول بشوند همچان که انقلاب اول و دوم رخ داد و طاغوت و آمریکا را از این کشور بیرون کرد، این نگاه وابستگی و نفی استقلال هم با تحول فرهنگی و با تکیه بر اسلام‌ناب محمدی (ص) و وحدت ملت در ایستادگی روی پای خود و بازبایی هویت ملی از بین خواهد رفت، همچنان که حضرت امام(ره) خطاب به همه ملت‌های مسلمان، راه مبارزه با غرب و غرب‌زدگی را این گونه خوانده‌اند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید... بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه کنید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بنایزد و هویت خویش را در یابید و بدانید که روشنفکران اجیرشده بلایی بر سر ملت و مملکت‌شان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه نکنید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکران‌شان شوند و آن را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست.»

یادداشت

اتخاذ تصمیم‌های اقناعی با همکاری همگانی

شیوه‌نامه «سفرهای بهداشتی»

به‌جای سفرهای کرونایی

نادر جعفری

عضو هیات‌علمی دانشگاه امام‌صادق(ع)

۱. از اسفندماه سال گذشته تا امروز، بیش از هشت‌ماه است که مسئولان محترم ستاد ملی مقابله با کرونا و به‌تبع آن، سایر مسئولان دولتی از وزیر بهداشت و وزیر کشور گرفته تا مقامات انتظامی و پلیس راه، سفر و مسافرت را برای مردم تبدیل به یک تابو (امر ناهنجار مانند فعل حرام) کرده‌اند. روزی نیست که منعی در این‌باره نشنویم و نخوانیم. گویی ستاد و دولت با سفر و مسافران، قهر کرده‌اند و با تکرار هر روزه رابطه مستقیم میان سفر و بیماری کرونا، مردم و گردشگران را از مسافرت در تعطیلات تابستانی، در تعطیلات مناسبت‌های مذهبی، در تعطیلات آخر هفته و... منع کرده‌اند.

۲. نتیجه این نوع مواجهه با مشکل، یعنی مواجهه مردم با این تصمیم ستاد هم در نوع خود جالب‌توجه است. هر چقدر که از توصیه به محدودیت و ممنوعیت سفر می‌شنویم، در سوی دیگر، خبرهای متعددی هم از ازدحام در مسیرهای ترافیکی شمال کشور و از تردد در جاده‌های مختلف به چشم می‌آید که گویای کم‌توجهی به توصیه‌های پزشکی ستاد است. شدت این تابوافکنی بهداشتی و مواجهه یک‌سویه ستاد با سفر و گردشگری در کنار افزایش سفرهای برون‌شهری، در حدی است که می‌توان به جای همکاری همگانی، نوعی «لجبازی ملی» میان ستاد و مقامات مسئول از یک‌سو و رفتار گردشگرانه مردم از سوی دیگر برداشت کرد. گویی مسئولان عمدا هیچ کاری به نیاز طبیعی مردم به سفر و گردش ندانند و مردم هم درمقابل، عمدا به حرف مسئولان توجهی ندارند. اما این واقعیت را می‌توان طور دیگری نیز نگاه کرد.

۳. واقعیت این است که سفر و گردشگری یک مصداق کلی و یکسان ندارد که همه اقسام آن را بتوان با یک چشم‌نگریست و به‌همین دلیل نباید با خیل جمعیتی که در شرایط فعلی همه‌گیری کرونا به انواع سفرها می‌روند، یکسان برخورد کرد. بدیهی است که وقتی ستاد و مسئولان آن می‌خواهند درباره سفر، مسافرت و گردشگری حرف بزنند باید این تفاوت‌ها را در محصولات گردشگری لحاظ کنند و مانند هر صنعت دیگری، برای تکنیک بین محصولات بی‌خطر، کم‌خطر و پرخطر، یا مجاز و غیرمجاز آن، از متخصصان صنعت گردشگری کمک‌بخواهند. اما تاکنون گویا دو طرف این موضوع با بی‌توجهی تمام، یکدیگر را اصلا درک نکرده‌اند و همان‌طور که گفته شد، گویی نوعی لجبازی میان مسئولان ستاد ملی و رفتار مردم علاقمند به سفر نسبت به یکدیگر دیده می‌شود.

۴. این نوشته به ضرر و زیان صنعت گردشگری از کرونا هم کاری ندارد که البته آن هم به گفته وزیر گردشگری رقم بسیار قابل توجه ۱۲ هزار میلیارد تومان تا تیرماه سال جاری بوده و گریبان بسیاری از همین مردم را گرفته است. اگرچه ستاد ملی کرونا و دیگر مسئولان عالی کشور بارها و بارها تأکید کرده‌اند که در تصمیم‌های خود، ضرورت تداوم معیشت مردم در صنایع مختلف را مدنظر دارند و طبیعتا شاغلان در صنعت گردشگری هم نباید از چنین توجه صحیحی محروم بمانند. فرض اصلی این نوشته آن است که برای خروج از بن‌بست کرونا و گردشگری، لازم است این پدیده را نیز همانند سایر عرصه‌های زندگی روزمره نگریست و با پذیرش نیاز به سفر و گردشگری، از راهکار «شیوه‌نامه سفر بهداشتی» بهره گرفت. بدیهی است این شیوه‌نامه باید متناسب با اجزای یک الگوی ساده گردشگری (شامل چهار مولفه گردشگر، میزبان، انگیزه و جاذبه) طراحی و ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نیز نظارت شود. (شکل ۱)

۵. مطابق الگو (شکل ۱) سفرهای گردشگری را می‌توان با معیارهای مختلف دسته‌بندی کرد؛ ازجمله:

- تعداد همراهان: سفر دسته‌جمعی، سفر خانوادگی (پرجمعیت یا کم‌جمعیت) و سفر انفرادی
- زمان: سفرهای کوتاه‌مدت یک‌روزه (بدون اقامت در شب)، یا دو روزه (با یک شب اقامت) که معمولا سفرهای آخر هفته است؛ و سفر چندروزه (در تعطیلات تابستانی یا زمستانی).
- وضعیت اقامت گردشگران در مقصد: خانه شخصی میزبان، خانه شخصی گردشگر، هتل‌ها، اقامتگاه‌های بوم‌گردی، چادرزنی (کمپینگ).
- انگیزه سفر: گردشگری مذهبی و زیارت، طبیعت‌گردی، گردشگری شهری، گردشگری روستایی، گردشگری تفریحی (در شهربازی‌ها، پارک‌های تفریحی و...)، مشخص است که سفر زیارتی و زیارت همزمان تعداد زیادی از زائران نیازمند طراحی ویژه است و باید متناسب با فضاهای زیارتی، برنامه‌ریزی این گونه سفرها به‌طور خاص انجام شود.

• زمان سفر در سال: فصل گردشگری پررونق و کم‌رونق که در کشور ما معموا متناسب با منطقه جغرافیایی است؛ طوری که استان‌های شمالی، شمال‌غرب و غرب کشور در فصل‌های بهار و تابستان، دوره پررونق خود را می‌گذرانند، درحالی که دوره پررونق گردشگری در استان‌های مرکزی، جنوبی و شرقی کشور در فصل‌های سردتر سال است. بنابراین با قاطعیت باید گفت استان‌هایی مانند خوزستان، بوشهر و هرمزگان که همواره جزء مناطقی با وضعیت قرمز بوده و هستند، در فصل گرما جزء مناطق گردشگری‌پذیر نیستند؛ بنابراین سهم سفر به این استان‌ها در افزایش آمار بیماری کووید-۱۹ چشمگیر نبوده و نیست.

۶. در هشت‌ماهی که پشت‌سر گذاشتیم بارها و بارها در تمامی تعطیلات و فرصت‌هایی که مردم می‌توانستند به مسافرت بروند (تعطیلات سال نو، تعطیلات تابستانی، و تعطیلات مناسبتی مذهبی یا میهنی) ستاد ملی مقابله با کرونا کاملا نشان داد که به‌هیچ‌وجه حاضر نیست با موضوع سفر و گردشگری به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره جامعه شهری کنار بیاید و ضرورت آن را ببذیرد و تقریبا هیچ‌یک از مولفه‌های بند قبل مورد توجه و استثنا قرار نگرفت! عجیب‌تر آنکه مردم هم با مسافرت‌های پرتکرار خود نشان دادند که اگرچه بیش از همه‌چیز و همه‌کس به سلامتی خویش اهمیت می‌دهند ولی درعین حال ترجیح می‌دهند در چارچوب مقررات، و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی معمول، به سفر هم بروند. ولی متأسفانه این رفتار آگاهانه مردم را ستاد ملی ندید (یا نخواست ببیند) و مرتباً بر طبل ممنوعیت و تحریم مسافرت کوبید. در این میان با قاطعیت باید گفت تمام دلایلی که معمولا در بیانیه‌های ستاد یا از زبان برخی پزشکان از رابطه سفر و بیماری مطرح می‌شود، کمابیش قابل پاسخ‌دادن است و رفتار گردشگری مردم هم عملا به آنها پاسخ داده است.

۷. تاکنون انتظار عمومی از ستاد ملی مقابله با کرونا این بود که چشم بر واقعیت‌ها نبندد و اگر قرار است تصمیم‌هایش با پذیرش مردمی مواجه شود، نیازها و ضرورت‌ها را هم ببیند؛ اگرچه متأسفانه چنین نشد و زیان این قهر کردن را همه (مسئولان و مردم و به‌ویژه کادر شریف درمانی کشور) تحمل کردند. حال که در پی سخنان اخیر رهبر انقلاب اسلامی، قرار است ستاد ملی «تصمیم‌های اقناعی با همکاری همگانی» بگیرد، خوب است به این توصیه صمیمانه و دلسوزانه کارشناسان گردشگری توجه کند و به‌جای ممنوعیت کلی سفر و گردشگری، پروتکل سفر بهداشتی (مبتنی بر اجزایی که گفته شد) را تنظیم و ابلاغ کند تا هم مردم، رفتارهای صحیح سفر کردن در دوران همه‌گیری کرونا را بشناسند و هم با توجه مسئولان به این نیاز واقعی مردم، فرصت پذیرش عمومی چنین تصمیمی افزایش یابد. ان‌شاء‌الله.